

حقوق قربانیان اقدامات تروریستی در رهیافت‌های سیاسی و قوانین بین‌المللی با تأکید بر جغرافیای سیاسی خاورمیانه

سیدمحمد رضا موسوی فرد^۱

عضو هیئت علمی گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران، سمنان.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۱۶

چکیده

تروریسم در لغت از آن با عنوان وحشت‌افکنی، هراس‌افکنی و ارباب‌گری نیز نام‌برده شده است، به استفاده از خشونت یا تهدید به استفاده از خشونت برای دستیابی به اهداف سیاسی، مذهبی، یا ایدئولوژیک گفته می‌شود، تروریسم استفاده غیرقانونی از خشونت یا ارباب‌است، به‌خصوص بر علیه غیرنظامیان، برای دنبال کردن اهداف سیاسی است. البته در جهان امروزی، تعریف دقیقی از واژه «تروریسم» در دست نیست. به عبارت دیگر؛ به رویکردی گفته می‌شود که اساس روش تحمیل عقاید به دیگران را صرفاً با زور آزمایی، ترور، جنگ، اعمال خشونت‌آمیز، رعب و وحشت، آشوب‌آفرینی، عملیات‌های چریکی، کشتار جمعی، نسل‌کشی، شکنجه و کودتا می‌داند. با این تفاسیر به قربانیان می‌رسیم که بدون هیچ‌گونه گناه یا سهمی در این فعل‌وانفعالات باید تاوان جرم و گناه نکرده را پس دهند، در پژوهش پیش روی درصدد تبیین حقوق قربانیان ناشی از تروریسم از منظر قواعد و اصول حقوقی و راهکارهای سیاسی مرتبط با آن در منطقه خاورمیانه می‌باشیم.

واژگان کلیدی: حقوق قربانیان، اقدامات تروریستی، قوانین بین‌المللی، قربانی، تروریسم، خاورمیانه

^۱ نویسنده مسئول: mousavifard136396@gmail.com

* مقاله مستخرج از رساله دکتری تخصصی.

مقدمه

آنچه امروزه می‌تواند به‌عنوان یکی از مغفول مانده واژه تروریسم در تمامی سطوح به آن نگرست درباری‌های سیاسی نظام بین‌الملل و بازیگران پیدا و پنهان روابط بین‌الملل چیزی نیست، جز حقوق مردمان و غیرنظامیانی که به‌عنوان قربانی واقعی در این حوادث باید تاوان پس دهند هرچند که در قوانین موضوعه بین‌المللی نوعاً همانند کنوانسیون‌های ژنو و حقوق بشردوستانه بدین قضیه توجه شده است، ولی به نظر می‌رسد از ضمانت اجرایی آن‌چنانی برخوردار نمی‌باشد، باید حقوق داخلی کشورها نیز بدین قضیه توجه خاصی مبذول دارند، علی‌الاحال سؤال اصلی که در این پژوهش در پی آن هستیم این است که در قوانین موضوعه بین‌المللی چه تمهیداتی برای قربانیان اقدامات تروریستی اندیشه شده است و در وهله دوم چه ضمانت‌های اجرایی واقعی برخوردار است؟ که در پی یافتن پاسخی برای آن هستیم.

۱- تعریف قربانیان تروریسم

منابع مختلف هرکدام بر اساس رویکرد و مشرب فکری خاص خود به ارائه تعاریف متعددی از قربانیان تروریسم پرداخته‌اند که این تقسیم‌بندی را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم نمود. دسته اول تعریف قربانیان تروریسم از منظر قواعد و اسناد بین‌المللی است که به‌نوعی می‌توان تعاریف قانونی (حقوق بین‌المللی) بدان اطلاق کرد. دسته دوم تعاریف قربانیان جرائم تروریسم^۱ که در دکترین آمده است. حال با در نظر گرفتن این دسته‌بندی به ارائه تعاریف متعددی از این مفهوم می‌پردازیم. در مورد آنچه به مفهوم (قربانی) مربوط می‌شود، در حوزه حقوق بین‌الملل، اعلامیه مجمع عمومی ملل متحد در سال ۱۹۸۵ سهم مهمی در این خصوص دارد؛ این سند (اعلامیه مجمع عمومی) در یک تعریف عام در مواد یک و دو، قربانیان را چنین تعریف کرده است.

۱-۱): منظور از (قربانیان) اشخاصی هستند که به‌صورت فردی یا دسته‌جمعی، متحمل خسارت، به‌ویژه صدمه به تمامیت جسمی و روحی، زیان مادی یا آسیب شدید و حقوق اساسی، خود در اثر فعل یا ترک فعل ناشی نقض قوانین کیفری^۲ شده‌اند.

۱-۲): یک شخص ممکن است (قربانی) شناخته شود، فارغ از اینکه هویت مرتکب جرم، شناسایی و او تحقیق، دستگیر و مقصر اعلام شده یا خیر، نسبت او با قربانی نیز اهمیتی ندارد. واژه (قربانی)، همچنین در صورت اقتضاء قوم‌و خویش نزدیک قربانی یا اشخاص را در برمی‌گیرد که با دخالت خود به‌منظور کمک به قربانیان در معرض خطر یا برای جلوگیری از قربانی شدن (دیگران) متحمل خسارت گردیده‌اند. (Wallin:2006:36)

آنچه در تعریف فوق اهمیت دارد؛ این واقعیت است که در این تعریف، قربانیان مستقیم جرم به همان اندازه اشخاص ذینفع، اعضای خانواده و حتی اشخاصی که در راه کمک به قربانیان متحمل خسارت شده‌اند پوشش می‌دهد، با این حال هیچ قرینه‌ای وجود ندارد دایر بر اینکه تعریف اشخاص حقوقی را هم شامل می‌شود (پیشین، ۳۷)

¹. Victims of the Crimes of Terrorism

². Violation of Criminal Law

اما در تعاریفی که در مواد یک و دو اعلامیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد آمده است به نظر می‌رسد، تعریف اول که ارائه شده است با تعریف قربانیان اقدامات تروریستی^۱ که مورد بحث ما از نظر مصادیق انطباق بیشتری دارد. چرا که با سیری در اقدامات گروه‌های تروریستی که امروزه شاهد آن هستیم؛ معمولاً این اقدامات علیه جمعیت‌ها و گروه‌هایی از مردم صورت می‌گیرد، در نتیجه باعث نقض گسترده قوانین کیفری بین‌المللی از سوی آن‌ها شده است؛ که بعضاً جرائم و اقدامات تروریستی که صورت پذیرفته؛ جرائم علیه تمامیت جسمانی، تمام اموال و مالکیت، تمامیت معنوی این افراد است. همین امر باعث می‌شود که بدین نکته برسیم که تعریف اولی که ارائه شده است در نوع خود از تعریف دوم مرتبط با بحث ما کامل‌تر از تعریف ارائه شده دیگر است.

در دکتترین نیز تعاریف متعدد و درعین‌حال متنوعی از قربانیان یا به اصطلاح بزه دیدگان به عمل آورده است ولی جهت رعایت اختصار به عنوان شاهد مثال به یک نمونه از این تعاریف ارائه شده در دکتترین درباره خصوص تعریف بزه دیده اشاره مختصری خواهیم داشت: «بزه دیده کسی است که مظلوم واقع شده است و در نتیجه حق او بر مال، تمامیت جسمانی، بر آزادی و امسال این‌ها حسب نوع جرم ارتكابی علیه وی از او ستانده است یا در معرض تضییع قرار گرفته است. تحمل بزه دارای آثار وحشتناکی^۲ بر بزه دیده است.

بزه دیده‌ای که زندگی خود را کنترل می‌کرد و با اعتماد به نفس نسبی این امر را انجام می‌داد در نتیجه تحمل بزه، به انحناء مختلف حق کنترل زندگی خود به‌طور عادی را نخواهد داشت. معمولاً بزه دیدگان با تحمل بزه دچار عصبانیت، خشم، ناراحتی، و گونه‌های مختلف پریشانی و اختلال روانی می‌شود». (Gholami:2005:57) در واقع با توجه به نتایج بزه دیدگی^۳ می‌توان آثار جرم را در یک تقسیم‌بندی کلی به دو دسته آثار مادی و ملموس و آثار غیرمادی یا معنوی (غیرملموس) تقسیم کرد.

آثار مادی و ناموس گاه ناظر به ضرر و زیان‌های مالی و گاه ناظر به ضرر زیان‌های جسمانی است که فرد متحمل می‌شود اما ممکن است آثار معنوی جرم، فوق‌العاده وحشتناک‌تر از آثار مادی جرم باشد. (پیشین؛ ۶۱) نقدی که بر این طریق وارد است این مسئله است در این تعریف با دقت در محتوای تعریف ارائه شده صرفاً رویکردی مشخص نسبت به قربانیان یا بزه دیدگان جرائم داخلی نویسنده داشته است؛ در حالی که ابعاد جرائم علیه قربانیان اقدامات تروریستی به مراتب بسیار گسترده‌تر از جرائم قربانیان و بزه دیدگان جرائم عادی و معمولی است، دلیل این امر نیز واضح است که جرائم و اقدامات تروریستی علاوه بر تأثیرات شگرفی که نسبت به افراد به صورت تک‌تک دارد، دارای آثار گسترده و سوء اجتماعی^۴ است که گهگاه هزینه‌های ناشی از این اقدامات جبران‌ناپذیر است. به عنوان مثال در جرائم تروریستی که با هدف نسل‌کشی صورت گیرد همانند اهدافی که وهابیت و تروریسم تکفیری در منطقه خاورمیانه در مبارزه با شیعیان دنبال می‌کنند. هدف نسل‌زدایی را دنبال می‌نمایند این وضعیت باعث می‌شود در

1. Terrorist Acts

2. Terrible Effects

3. Victimization

4. Extensive and Abuse Social Effects

صورت تحقق چنین اهداف شومی که خلاف اصول انسانی، جزء جرائم علیه نوع بشر^۱ نیز تلقی می‌شود، هزینه‌ای که بجای می‌گذارد بعضاً غیرقابل جبران باشد. حال با جمع‌بندی مفاد اعلامیه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد به سال ۱۹۸۵ و با در نظر گرفتن مؤلفه‌های مشترک مفهوم تروریسم و قربانیان اقدامات تروریستی و موارد ذکر شده در دکترین‌های مختلف به نظر می‌توان قربانیان جرائم تروریستی را چنین تعریف کرد: «قربانیان اقدامات تروریستی به گروهی از مردم مناطق تحت اشغال تروریست‌ها اطلاق می‌شود که جهت رسیدن به اغراض و اهداف سیاسی و گهگاه ایدئولوژیک^۲، این گروه‌ها انواع و اقسام جنایات را به وحشیانه‌ترین حالات متصور علیه مردم غیرنظامی بی‌گناه انجام می‌دهد که دربردارنده جرائم علیه تمامیت جسمانی، مادی و معنوی است، اطلاق می‌گردد». در این تعریف برخی مشخصه‌های پیدا و پنهان وجود دارد که در فهم مفهوم مورد نظر کمک بیشتری خواهد نمود، معمولاً قربانیان اقدامات تروریستی در واقع قربانیان اهداف و امیال تروریست‌ها در راستای رسیدن به اغراض و اهداف سیاسی یا فشار بر حکومت‌ها دیگر است. هر چه اقدامات تروریستی علیه قربانیان وحشیانه‌تر باشد و به اصطلاح بی‌رحم‌تر باشد به‌عنوان یکی از مؤلفه اساسی در جهت تبیین و نشانگر قدرت گروه‌های تروریستی است.

از دیگر مشخصه‌های این تعریف می‌توان به جنبه ایدئولوژیک برخی از اقدامات تروریستی علیه قربانیان توجه شده است که در اقدامات تروریستی تکفیری نمود پیدا می‌کند آن‌هم چیزی نیست جز مبارزه و تسویه حساب مذهبی که در قالب نسل‌کشی^۳ مصداق پیدا می‌کند. در توضیح این مسئله به گفتمان فقه تکفیر رجوع کردیم که شیعیان را به‌نوعی تکفیر کرده و رافضی می‌نامند؛ در فتاوی متعارض خود کشتن بیش از چندین شیعه باعث رهنمون شدن شخص بهشت موعود اعلام کرده‌اند و آرزوی دیرینه ایشان از بین بردن نسل تشیع صرفاً به خاطر اعتقادات مذهبی است. از این نوع خاص قربانیان اقدامات تروریستی می‌توان به‌عنوان قربانیان ایدئولوژیک نام برد. در تمامی اسناد بین‌المللی و دستورات ادیان آسمانی و اصول مورد قبول ملل متمدن آزادی عقیده و مذهب^۴ به‌عنوان یکی از اصول بنیادین و حقوق اولیه^۵ انسان‌ها معرفی شده است که تروریسم و حامیان آنان دقیقاً تمامی مرزها انسانیت را در قبال قربانیان خود درهم شکسته‌اند. در خصوص تعریف و مصادیق این واژه در منابع متعددی موارد بسیاری دیگری حول این مفهوم آمده است.

۲- انواع قربانیان جرائم تروریستی

با سیری در منابع حقوق کیفری و حتی جرم‌شناسی در خصوص قربانیان جرائم در وهله اول و قربانیان جرائم تروریستی در وهله بعد تقسیم‌بندی‌های متعددی صورت گرفته است؛ هر یک از این تقسیم‌بندی‌ها معیارها و

1. Crimes Against Humanity

2. Ideological

3. Genocide

4. Freedom of Opinion and Religion

5. Basic Rights

ملاک‌های متنوعی را لحاظ کرده‌اند. اگر بخواهیم به صورت موجز و گذرا به برخی از این ملاک‌ها و معیارها اشاره کنیم:

- طبقه‌بندی قربانیان جرائم بر اساس جرائم عمد و غیر عمد؛
 - قربانیان جرائم از لحاظ مادی و معنوی؛
 - قربانیان جرائم به صورت مستقیم و غیرمستقیم؛
 - قربانیان جرائم تروریستی و غیر تروریستی؛
 - قربانیان جرائم علیه تمامیت جسمانی اموال و مالکیت و علیه تمامیت معنوی و ...
- تنوع بسیاری که هر در هر یک از کتب و مقالات در قالب دکترین و حتی بعضی از اسناد قانونی در این خصوص وجود دارد نشان‌دهنده توجه حقوق کیفری و مطالعات جرم شناختی به قربانیان به صورت ویژه است، اتفاقاً، دقیقاً این رویکرد نقطه مقابل حقوق کیفری سنتی^۱ است. که صرفاً تمرکز خود را بر روی متهم و سزادهی^۲ وی گذاشته است. تقریباً در رویکرد سنتی جایگاه خاصی برای قربانیان در مقایسه با وضع کنونی و معاصر وجود نداشت این امر را می‌توان گاهی بسیار مؤثر در جهت رویکرد موازنه ساز در حقوق کیفری تلقی کرد؛ چراکه در اینجا به نظر نگارنده اجزاء حقوق کیفری از چهار جزء اصلی تشکیل شده است که عبارت‌اند از: بزه کار، بزه دیده، جامعه، دستگاه عدالت کیفری، تا این چهار سیکل اصلی وجود نداشته باشد و دیگر مؤلفه‌ها همانند قانون، مجازات و ... معنا پیدا نمی‌کند. در این میان رویکرد سنتی قانون مجازات و مطالعات علوم مرتبط عمده تمرکز خود را روی سزادهی و مجازات بزه‌کار متمرکز کرده‌اند.

ولی رویکرد جدید همان‌طوری که گذشت با توجه جدی به قربانیان جرائم متعدد شده است. از این‌روست که قانون‌گذار حقوقی در سطح داخلی و بین‌المللی به نوعی مجبور است حقوق حقه این افراد را در قالب قوانین به رسمیت بشناسد. حال در این گفتار عمده بحث ما روی قربانیان اقدامات تروریستی متمرکز است که در نوع خود این قربانیان نیز به چند دسته جزئی‌تر تقسیم می‌شود که در یک تقسیم‌بندی به قربانیان بالفعل جرائم تروریستی در سطح اول، قربانیان بالقوه جرائم تروریستی در سطح دوم طبقه‌بندی شده‌اند. که در این قسمت سعی خواهد شد به صورت موجز و مختصر این دو بخش مورد بررسی قرار گیرد. هرچند که می‌توان قائل به لحاظ معیارهای دیگری در تقسیم‌بندی و طبقه‌بندی قربانیان جرائم و اقدامات تروریستی نیز بود. از جمله طبقه‌بندی بر اساس نوع جرائم و اقداماتی که علیه ایشان صورت گرفته است:

1. Traditional Criminal Law

2. Punishment

۲-۱): قربانیان بالفعل

قربانیان بالفعل جرائم تروریستی به افراد قربانی اطلاق می‌شود که به صورت مستقیم ناشی از جرائم و اقدامات تروریستی زیان جسمی یا روحی به آن‌ها وارد می‌شود که این افراد کسانی هستند که مشمول سیاست‌های ترمیم و جبران خسارت می‌شود. قربانیان بالفعل نیز در منابع خود به دو دسته تقسیم شده‌اند:

۱-۱-۲): قربانیان مستقیم (اصلی)

قربانی مستقیم کسی است که بی‌واسطه، از یک عامل مجرمانه، آسیب بدنی، روحی یا مادی می‌بیند. اصطلاح محنی علیه که در فقه کیفری رایج است می‌تواند واژه برابری با قربانی مستقیم جرم باشد (Hashemi:51) اما در برخی منابع نیز تعاریفی جهت قربانیان مستقیم جرائم تروریستی آمده است که با برخی از مصادیق تروریسم تکفیری همخوانی دارد، من باب المثال در توصیه‌نامه کمیته وزیران عضو اتحادیه اروپا، برای حمایت از قربانیان جرائم که در سال ۲۰۰۶ مورد پذیرش هیئت وزرای این اتحادیه قرار گرفت درباره تعریف قربانیان مستقیم جرم در این سند چنین آمده است: «بزه دیده عبارت است از شخص حقیقی که متحمل صدمه شود، این صدمه، شامل آسیب فیزیکی یا روانی رنج روحی و یا زیان مالی خواهد شد که ناشی از فعل و ترک فعل باشد دول عضو پدید آید» (به نقل از هاشمی: 8: 2006: Recommendation Rec). اما ایراد که با توجه به موضوع مدنظر بر آن وارد است این است در هیچ‌یک از مفاد تعریف به واژه تروریسم اشاره نشده است، در حالی که امروزه تروریسم خطر اول برای اروپا محسوب می‌شود و بالاخره در قسم آخر نیز به نقض ناشی از عملکرد دولت^۱ اشاره کرده است، که می‌توان به نوعی کشورهای حامی تروریسم را در قالب آن بررسی کرد.

اگر چنین طبقه‌بندی قائل نباشد پس دیگر اشکال مطروحه وارد نخواهد بود. اما در جمع‌بندی قربانیان مستقیم می‌توان به چنین تعریفی با لحاظ کردن تروریسم خواهیم رسید: «به افراد غیرنظامی و بی‌گناهی که در جریان مناطق اشغال شده توسط تروریست‌ها در نتیجه اغلب موارد فعل و به‌ندرت ترک فعل از سوی گروه‌های تروریستی انواع و اقسام جنایت^۲ مستقیماً و بلا واسطه در حق آنان صورت می‌گیرد و باعث ضرر و زیان علیه تمامیت جسمانی، مادی و معنوی ایشان می‌شود. قربان مستقیم جرائم تروریستی اطلاق می‌شود». در توضیح اینکه چرا در تعریف ارائه شده آمده است «به‌ندرت ترک فعل» چرا که اگر بخواهیم به اقدامات تروریستی صورت پذیرفته شده بنگریم به این نکته می‌رسیم که اکثر این اقدامات به صورت فعل ایجابی و مثبت بوده است؛ کمتر به صورت ترک فعل^۳ متصور است.

۲-۱-۲): قربانیان غیرمستقیم (فرعی یا ثانوی)

اما نقطه مقابل قربانیان مستقیم جرائم تروریستی را می‌توان قربانیان غیرمستقیم فرعی یا ثانوی نامید قربانیانی که مستقیماً در معرض افعال و اقدامات گروه‌های تروریستی قرار ندارند بلکه تبعات ناشی از این اقدامات وحشتناک به

1. Violations of Government Performance

2. Types of Crime

3. Leave the Verb

ایشان مرتبط می‌شود؛ به دلیل همین عدم در معرض بودن مستقیم اقدامات تروریستی و اینکه ضرر و زیان مستقیماً بر آن‌ها وارد نشده و بلکه باواسطه بوده در متون کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. مستقیماً بر آن‌ها وارد نشده و بلکه باواسطه بوده در متون کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. در برخی از منابع حتی دسته‌بندی‌هایی نیز از قربانیان غیرمستقیم جرائم تروریستی صورت گرفته است یا بدان اشاراتی شده است. اما قربانیان جرائم تروریستی در دل خود می‌تواند به دو گروه زیرمجموعه تقسیم شوند. گروه اول قربانیانی که در نتیجه عملیات تروریستی انجام گرفته آسیب می‌بیند. (هاشمی: پیشین) مثال واضح این گروه را می‌توان به خانواده اطلاق کرد که در نتیجه اقدامات تروریستی سرپرست خانواده را ازدست داده‌اند در اینجا بقیه اعضای خانواده اگرچه مستقیماً آسیبی متوجه تمامیت آن‌ها به‌عنوان یک شخص حقیقی نشده است؛ ولی عملاً صدمات جبران‌ناپذیری اعم از مادی و معنوی به بنیان خانواده آن‌ها وارد شده است اما دسته بعدی گروهی هستند که در نتیجه سیاست‌های گروه‌های تروریستی به‌عنوان قربانی محسوب می‌شوند. که این امر را در غالب یک مصداق توضیح خواهیم داد، بدین کیفیت که در یک کشوری که قوانین ضد پول‌شویی و جرائم تروریستی به معنای واقعی کلمه اجرا می‌شود و مجریان قانون مذکور را تمام و کمال به اجرا درمی‌آورند فردی وجود دارد که سرپرست یک خانواده است بعداً به اتهام همکاری با گروه‌های تروریستی که قصد خرابکاری داشته‌اند مورد تعقیب قرار گرفته و بازداشت می‌گردد. تمامی اموال و دارایی وی نیز بلوکه یا ضبط می‌گردد این در حالی است که هنوز هیچ‌گونه اقدام عملی و تروریستی صورت نگرفته است؛ صرفاً بر اساس یک سیاست تعیین شده در مرحله طرح و برنامه‌ریزی بوده است این سیر اقدامات صورت پذیرفته است؛ بدین‌سان خانواده شخص موصوف را علی‌رغم اینکه در ظن همکاری با گروه‌های تروریستی است را می‌توان قربانی غیرمستقیم نامید. (با اندکی تصرف، پیشین) منابع دیگر در این مورد تقسیم‌بندی‌های ارائه کرده‌اند که البته با بحث ما متفاوت است اما اشاره‌ای مختصر و نیز به آن‌ها خواهیم داشت:

۱-۲) شخص حقیقی، بزه دیده است (بزه دیده مستقیم)؛

۲-۲) خانواده، اقدام، بستگان و جامعه محلی، بزه دیده است (بزه دیده مرتبط)؛

۳-۲) جامعه به‌طور کلی، بزه دیده است (بزه دیده غیرمستقیم)؛

۴-۲) خود بزه‌کار، بزه دیده است (بزه دیده بزه‌کار (Rohami:2008:34-35)

۳-۱-۲): قربانیان بالقوه جرائم تروریستی

قربانیان بالقوه: کسانی هستند که در معرض خطر عملیات تروریستی هستند، اما هنوز دستخوش آسیب‌های جسمی و روحی ناشی از این حوادث نشده‌اند. در برخی موارد، به دلایل ممکن است انتظار و احتمال پیش‌آمده‌ای تروریستی در شرایطی برای مردم از اصل حادثه دردناک‌تر و تحمل‌ناپذیرتر یا در حد همان باشد. این در حالی است که قربانیان بالقوه^۲ مشمول سیاست‌های پیشگیرانه و نظارتی هستند، اما ممکن است به دلایلی این دسته نیز به خاطر

1. Direct victim

2. Potential Victims

فشارهای روحی و نگرانی ناشی از تبلیغات رسانه‌ای تروریستی، به حمایت‌های کلینیکی روان‌درمانی و پزشکی نیازمند باشند. از این جهت قواعد مربوط به پیشگیری وضعی نیز برای قربانیان بالقوه مقرر شده است، همچنین بسیاری از قواعد پیشگیری اجتماعی برای این دسته از قربانیان وضع شده است. (هاشمی؛ پیشین؛ ۵۵) این دست از قربانیان به گروه‌های ویژه‌ای نیز دسته‌بندی شده‌اند. از جمله زنان، کودکان و سالخوردگان که نباید به توصیه‌های ادیان آسمانی و همچنین یک برآیند کلی که از کنوانسیون‌ها و مقررات بین‌المللی در ذهن است بخصوص معاهدات ژنو کنوانسیون‌های بعدی الحاقی بدان در خصوص مخاصمات مسلحانه بین‌المللی که در آن سازمان‌های غیردولتی مسلح نیز به نحوی مورد اشاره قرار گرفته است. قوانین حمایتی خاصی حین درگیری مسلحانه برای ایشان از نظر حمایتی وضع شده است به نحوی که هر کس از این اصول و قواعد تخطی نماید می‌توان تحت عنوان جرائم جنگی با وی برخورد قضایی و ICC صورت پذیرد.

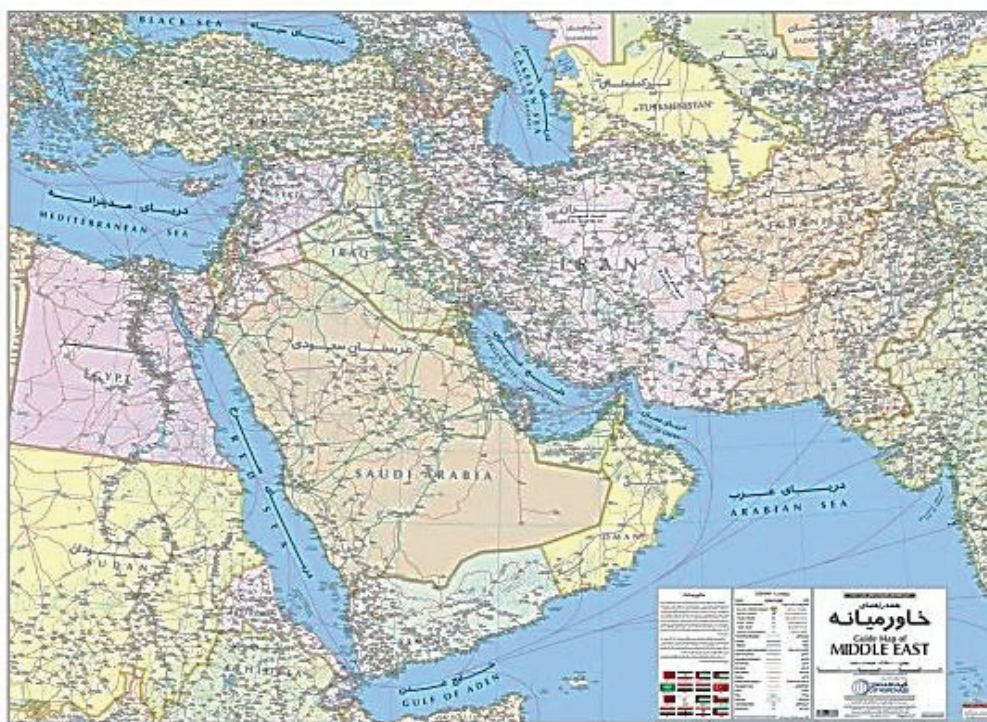
اما مسئله بدین معنا ختم نمی‌شوند چون که این قربانیان احتمالی بالقوه محسوب می‌شوند دیگر هیچ‌گونه فعالیتی در راستای مراقبت و حمایت از آن‌ها صورت نگیرد، در حالی که برعکس باید خطر تروریسم و اقدامات مخرب ویرانگر تروریستی را همیشه جدی فرض کرده و تمهیداتی در جهت پیشگیری و حمایت از قربانیان بالقوه نیز به عمل آورد این اقدامات باید در سطح ملی و بین‌المللی باشد چرا که همان‌طوری که در تعریف مفهوم قربانیان بالقوه نیز این معنا مستتر است، گروه‌های تروریستی این گروه از قربانیان را جهت تعرض قرار دادن از طریق اقدامات تروریستی در برنامه کاری خود دارند. در آینده تحقیقاً به سراغ این دست از قربانیان نیز خواهند آمد چون که برای گروه‌های تروریستی زیاد نوع قربانی در درجه اهمیت در اغلب موارد قرار ندارد بلکه رسیدن به اهداف و اغراض پشت پرده مهم‌ترین هدف ایشان محسوب می‌شود. اما دسته‌ای از قربانیان بالقوه در اقدامات تروریستی وجود دارد که احتمال قربانی شدن ایشان در اقدامات تروریستی بیش از دیگران است آن‌هم می‌توانند؛ افراد خارجی در یک کشور یا حتی گروه دیپلماتیک در کشور میزبان باشد که دچار اقدامات تروریستی شوند.

۳-۱-۲: مردم عادی قربانیان تروریسم در جغرافیای خاورمیانه:

منطقه خاورمیانه در طول چند سال اخیر با تحولات گسترده و عمیقی روبرو بوده، که در این میان موج جدید افراط‌گرایی دینی که در قامت گروه تروریستی داعش جلوه گر شد، از اهمیت و پی آمدهای خاصی برخوردار است. روند ظهور و قدرت‌یابی این گروه که تسلط بر بخش وسیعی از عراق و سوریه را به همراه داشت؛ به آسیب‌رسانی وسیع نسبت به امنیت انسانی در عرصه منطقه‌ای منجر شد. مقوله مزبور (امنیت انسانی) محصول تغییر پارادایمی امنیت تک بعدی دولت محور به امنیت چند وجهی فرد محور بوده و بر تحول ماهیت تهدید از تهدید نظامی به انواع مختلفی از تهدیدات اقتصادی، زیست محیطی، غذایی، بهداشتی، سیاسی، اجتماعی و فردی دلالت دارد.

بررسی تاریخ معاصر خاورمیانه نشان می‌دهد که این منطقه از سهم بالایی در الگوی توزیع تنشهای منطق‌های برخوردار بوده است. در این میان، شرایط و بافتار منطقه‌ای به سازه‌های کشمکش‌زا تبدیل شده، ویژگی که از نقش تأثیرگذاری در روند شکل‌گیری جریان افراط‌گرای مذهبی در طول دهه‌های اخیر برخوردار بوده است. در خصوص قربانیان در این منطقه به صورت خاصه در نظر داشت از این رو نظریه امنیت انسانی، براساس برداشتی نوگرا از مطالعات امنیتی در دوره پس از پایان جنگ سرد و تحولات نظام جهانی شکل گرفت. مبنای اساس نظریه مزبور این است که انسانها موضوع نهایی امنیت بوده و حفظ آن باید سرلوحه مسائل قرار گیرد. (Mitchel:2014:5) سیاست‌های متمرکز جهانی باعث شده است قربانیان این تحقیق صرفاً از حوزه خاورمیانه باشند، همیشه خاورمیانه جایگاه تحولات عظیمی بوده است البته متذکر می‌گردد اینجا کانون اصلی این تحولات جغرافیای سیاسی و انسانی خاورمیانه است:

Source: <https://gitashenasi.com>¹



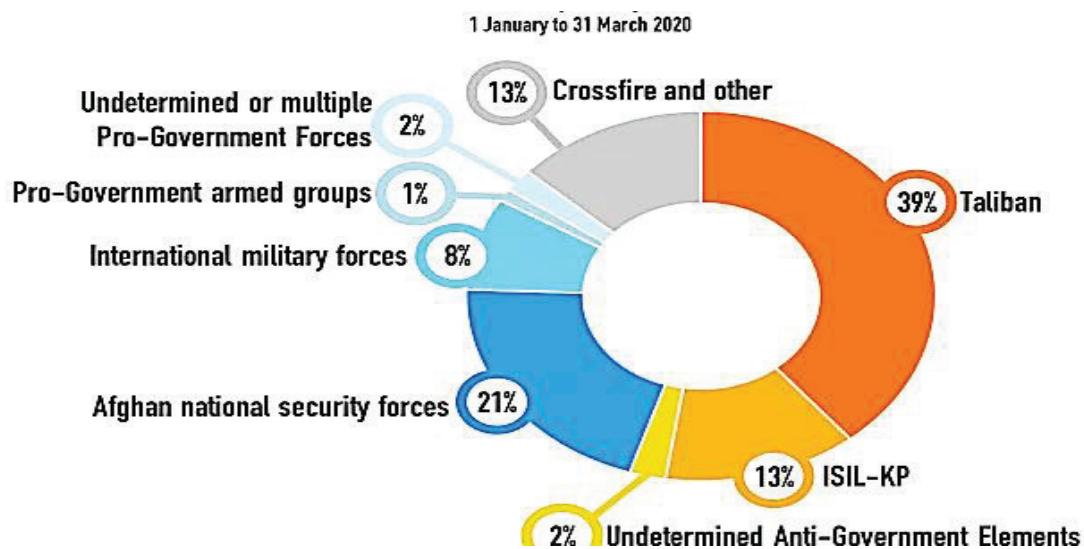
¹ به نقل از: موسوی فرد، سیدمحمد رضا. (۱۴۰۰). امکان‌سنجی شناسایی مسئولیت‌گیری سیاست‌گذاران (وهابی) و مجریان حقیقی دولت‌های حامی تروریسم با تأکید بر رویکردهای سیاسی و حقوقی در جغرافیای سیاسی خاورمیانه. فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی. ۱۳(۲)، ۴۷۲-۴۹۰.

Source: <https://www.infoplease.com/atlas/middle-east>¹



علی‌ایحال به آمار رسمی منتشر شده از سوی انجمن دفاع از قربانیان تروریسم در منطقه خاورمیانه صرفاً در کشور افغانستان توجه کنید:

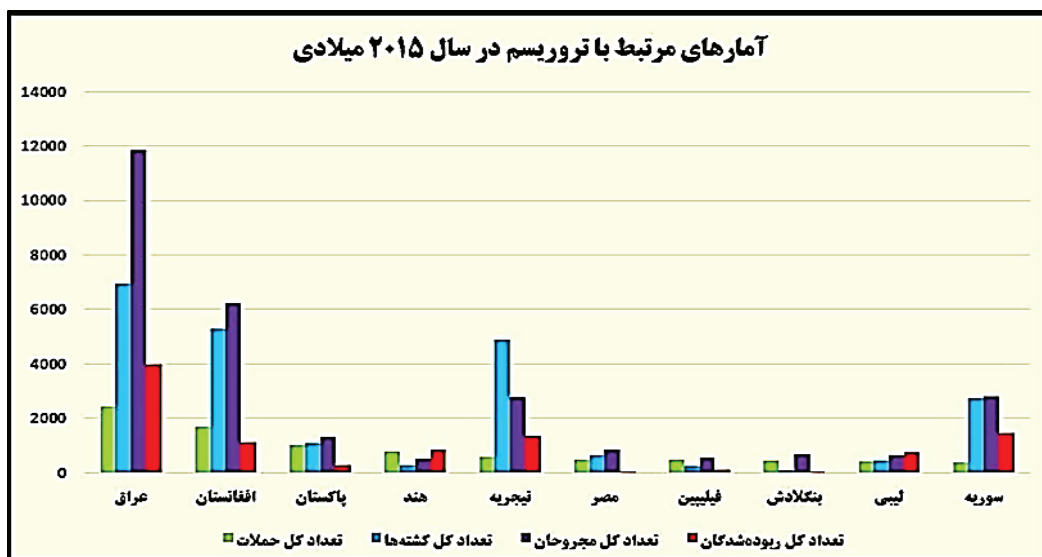
Source: <http://advtno.org>



¹. به نقل از پیشین .

البته در این خصوص در سال های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ آمار رسمی نیز منتشر گردید متأسفانه بیشترین آمار قربانیان اقدامات تروریستی در خاورمیانه بوده است بطوریکه در این سال، بیشترین تعداد قربانیان عملیات تروریستی شهروندان کشورهای عراق با ۹۹۲۹، نیجریه با ۷۵۱۲، افغانستان با ۴۵۰۵، پاکستان با ۱۷۵۷ و سوریه با ۱۶۹۸ نفر بوده‌اند. (در خصوص نیجریه، با این حال اغلب قریب به اتفاق عملیات تروریستی در این کشور از سوی گروه بوکوحرام و در مناطق شمالی این کشور که عمدتاً مسلمان‌نشین هستند رخ می‌دهند) به نمودار آن توجه نمایید؟

Source: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1395/04/30/1133058>



۳- آموزه‌های نظری و قربانیان تروریسم

۳-۱ رویکردهای بین‌المللی و ملی بر عدالت ترمیمی نسبت به قربانیان^۱

وقتی که بحث لزوم رسیدگی و توجه ویژه به قربانیان می‌رسیم، آموزه‌های مکتب عدالت ترمیمی به‌عنوان رویکردی نظری و پایه‌ای در این بخش جلوه ویژه‌ای خواهد داشت، عدالت ترمیمی و دیگر تئوری‌های هم‌سطح که توجه خود را نسبت به قربانیان جرائم متمرکز کرده‌اند نشانگر این مسئله است؛

۳-۱-۱ دیگر نظام سزادهی صرف در حوزه حقوق کیفری و شعبات آن جوابگو نیست؛

ثانیاً: نگاه ویژه به قربانیان جرائم علاوه بر اینکه به عدالت نزدیک‌تر است در کنار سزا دهی می‌تواند به نحوی از انحاء مختلف با شیوه‌های متنوعی که در قوانین و اسناد بین‌المللی وجود دارد و پیش‌بینی شده است از درد و آلام قربانیان جرائم و اقدامات تروریستی بکاهد. از این‌رو در بخش حاضر بر آن هستیم که بر اساس آموزه‌ای این مکتب و دیگر مبنای تئوریک با سیری در قوانین ملی و اسناد بین‌المللی رویکردهای حمایتی عام و فراگیر را در حمایت از

¹. Restorative Justice for Victims

قربانیان اقدامات تروریستی به صورت مختصر بررسی کنیم. در بخش‌های بعدی به صورت موردی و تخصصی از منظر این مکاتب، حق و حقوق شناخته شده برای قربانیان اقدامات و جرائم را در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری ICC مورد بحث قرار خواهیم داد. از جمله رویکردها مؤثری که در بخش بعدی به صورت مبسوط به آن پرداخته خواهد شد، لزوم برگزاری جلسات تدافعی بین قربانیان و عاملان یا همان متهمان است که تحت عنوان مشارکت در دادرسی و ... اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری یا همان دادگاه بین‌المللی رم پیش‌بینی شده است. هدف اصلی نظریه عدالت ترمیمی در مراحل نخستین حمایت از منافع بزه دیده است. (Najafi:2005:4)

از این رو در چنین جرائمی وقتی که به نظر می‌رسد صرفاً خسارات و ضرر و زیان وارده مادی باشد، (کمیسیون‌های حقیقت‌یاب و آشتی) به عنوان یک راه مطمئن در اجرای عدالت ترمیمی در زمینه جنایات علیه بشریت معرفی شده‌اند، الگوی این کمیسیون‌ها ترکیبی از الگوی نورنبرگی (محاکمه جنایت‌کاران شکست‌خورده توسط طرف پیروز) و الگوی عفو عمومی (بخشش عاملان جنایات بدون محاکمه) شمرده می‌شود. (Delaware:2009:155) در همین راستا با وجود تشکیل محکمه بین‌المللی برای رسیدگی به جنایات ارتكابی در یوگسلاوی سابق و حمایت از عدالت سزادهی در بوسنی و هرزگوین، بررسی آماری برنامه توسعه ملل متحد^۱ در ژوئن ۲۰۰۵، نشان داد که ۵۵/۷٪ از پاسخ‌دهندگان به (این برنامه بین‌المللی) بر نیاز و ارزش کمیسیون حقیقت‌یابی بین‌المللی (در مواقع ضرورت) و آشتی تأکید کرده‌اند. (Nately aclark: 2009: 481)

از جمله نمونه‌های عملی دیگر در خصوص این کمیسیونی در آفریقای جنوبی بود که برای احیای صلح آشتی در جامعه آفریقای جنوبی تلاش عمده‌ای نمود، هرچند که در این زمان عده‌ای بر این عقیده بودند که احیای و ساختن دوباره جامعه مستلزم فراموشی گذشته است کمیسیون بر این باور بود که باید حوادث تلخ گذشته بیان شده و مورد تأکید قرار گیرد. (Vora: 2006: 305) اما همان‌طوری که گذشت در خصوص رویکردها تخصصی و موردی در قسمت‌های بعدی اساسنامه دیوان مورد بحث قرار خواهد گرفت. در خصوص لزوم خدمت‌رسانی به بزه دیدگان بین‌المللی با توجه به جنبه بین‌المللی موضوع نیازمند مشارکت کشورهای دیگر است در این خصوص می‌توان به اعلامیه اصول اساسی عدالت برای بزه دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت مجمع عمومی به سال ۱۹۸۵ اشاره کرد که اوج تلاش‌های جامعه بین‌المللی و در رأس آن سازمان ملل متحد برای حمایت از بزه دیدگان به شمار آورد به رویکرد بین‌المللی به بزه دیده جنبه جهانی بخشید که می‌تواند به عنوان رویکرد حمایتی فراملی تعبیر کرد. (Yousefi Maragheh:2013:71)

کارکرد عدالت ترمیمی به نظر می‌رسد در جرائم و اقدامات تروریستی علیه تمامیت جسمانی مانند نسل‌کشی و قتل عمد کارایی چندانی ندارد. اما در خصوص حقوق غیرمالی یا مالی می‌توان با تأکید بر حسن همدردی و احترام به شأن بزه دیدگان، دربرگیرنده طیف وسیعی از حقوق مبتنی بر نیازها و خواسته آنان باشد که بیش از آنکه جنبه

¹. United Nations Development Program

ترمیمی و جبران خسارت با پرداخت غرامت داشته باشد، بر رفتار منصفانه و احترام به کرامت انسانی قربانیان تأکید دارد. نمونه بارز این بی‌احترامی و عدم رعایت شأن قربانیان را می‌توان در مسئله مهاجرین سوری که جهت فرار از اقدامات تروریستی به اروپا مهاجرت کردند مشاهده نمود و مضاف بر آن معاملات و اقدامات سیاسی برخی از دولت‌ها همانند ترکیه که در قبال جلوگیری از عدم ورود مهاجرین به خاک اروپا امتیازات فراوان مالی سیاسی از سوی اتحادیه اروپا نصیبش شد. علی‌ایحال رعایت این‌گونه حقوق و الزام یا ترغیب متصدیان نظام عدالت کیفری به اجرای آن می‌تواند تأثیر چشم‌گیری بر فائق شده بزه دیده بر آثار و عواقب بعدی جرم و بزه دیدگی ثانوی ناشی از آن داشته باشد. از جمله این حقوق، حمایت در مقابل تحدیدات، جبران خسارات مالی «اعاده وضع سابق» که می‌تواند به‌عنوان یک راهکار مدنظر قرار گیرد.

هرچند که در این خصوص با توجه به پیچیدگی‌های جبران تروریسم اعاده به وضع سابق و به‌نوعی تعیین ضابطه مشخص مالی دارای یک پروسه در برخی مواقع با در نظر گرفتن ویرانی‌های ناشی از اقدامات تروریستی تقریباً غیرقابل‌جبران به نظر می‌رسد. اما در رسیدن به حداقل‌های وضع سابق می‌تواند این راهکار اجرایی گردد و تا حدودی آلام قربانیان جرائم تروریستی را بکاهد. (با دخل و تصرف اندک؛ پیشین؛ ۷۶)

«پرداخت غرامت» از طریق متهمان یا دولت‌ها و جبران خسارت مدنی که به بزه دیدگان ناشی از اقدامات تروریستی تحمیل شده است یکی دیگر از راهکارهایی است که در جهت جبران بخشی از حمایت‌های دولت‌های حامی تروریسم^۲ می‌تواند؛ به‌عنوان راهکار مؤثر ارائه گردد که تمامی راهکارهای ارائه شده در سطح بین‌المللی می‌تواند صورت پذیرد. اما برخی از کشورها در راستای این تعالیم در سطح سیاست‌های ملی خود به‌نوعی سازمان‌هایی را تشکیل داده‌اند که به‌صورت تخصصی به قربانیان خدمت ارائه دهد و از آلام آنان بکاهد.

به‌عنوان مثال سازمان ملی کمک به افراد بزه دیده که در سال ۱۹۸۰ در آمریکا تأسیس شد که خدمات شایان توجهی به بزه دیدگان تروریسم بین‌المللی و خانواده‌های آنان ارائه کرد. همچنین در کشور فرانسه یک قانون خاص تحت عنوان «قانون ترمیم خسارت قربانیان جرائم خشونت‌بار» به سال ۱۹۷۷ تصویب کرد و متعاقب آن صندوق تضمین خسارت ناشی از اعمال تروریستی در سال ۱۹۸۶ و ایجاد صندوق تضمین اعمال تروریستی و سایر جرائم (قانون دوم ژوئیه ۱۹۹۰) امکان عملی جبران خسارت‌ها را فراهم آورد. (نجفی ابرندآبادی ۱۳۷۳؛ ۴۷) حتی در ایران نیز صندوق جبران خسارت بزه دیدگان به‌موجب ماده ۳ لایحه جبران دولتی خسارت بزه دیدگان تشکیل و در مراکز استان‌ها نیز دارای شعبه خواهد بود که از جمله موارد مصداقی که می‌تواند طبق این قانون در ایران، به قربانیان پرداخت گردد. خسارت ناشی از جرائم علیه امنیت ملی کشور از قبیل جرائم تروریستی و بمب‌گذاری است که خسارات وارد بر افراد حقیقی و حقوقی با رعایت شرایط مقرر قابل پرداخت است. (یوسفی مراغه؛ پیشین؛ ۸۰). اما همان‌طوری که اشاره شده است.

^۱. Compensate

^۲. Governments Supporting Terrorism

۳-۱-۲ حمایت از قربانیان اقدامات تروریستی

در دنیای معاصر که همه کشورها و دیگر بازیگران مؤثر روابط بین‌المللی یک‌صدا داعیه‌ی محکومیت اقدامات و فعالیت‌ها به‌طورکلی پدیده تروریسم را دارند، در شعارهای اعلامی خود ضمن اعلام حمایت از هرگونه اقدامات مؤثر در مبارزه با تروریسم تأکید ویژه‌ای نیز در حمایت از قربانیان اقدامات تروریستی سر می‌دهند. سؤالی که به وجود می‌آید این است؛ چرا در این مقاله که موضوع آن حقوق موضوعه حمایت از قربانیان است در ابتدای بحث به شعارگرائی نظام بین‌المللی نسبت به مبارزه با تروریسم و حمایت همه‌جانبه از قربانیان اقدامات تروریستی پرداخته شده با یک دید بدبینانه نسبت به مسئله نگریسته شده است؟

جواب این سؤال را می‌توان به‌صورت ساده چنین پاسخ داد: اگر بخواهیم با توجه به اختلافات سیاسی موجود در نظام بین‌الملل به‌طورکلی عدم اجماع در تعریف کلیت تروریسم و برخورد با آن و قانون صالح رسیدگی به جرائم آن‌ها به دلیل مباحث ذکرشده بگذریم، دیگر نمی‌توان در خصوص حمایت قربانیان از تروریسم که اغلب غیرنظامیان بی‌گناه و مردم عادی هستند هیچ‌گونه دخالتی نیز در مسائل پشت پرده تروریسم نیز ندارند به‌راحتی از کنار مسئله گذشت، چرا که همه نیز در حنایت بی‌قیر و شرط از آن‌ها اتفاق نظر دارند؛ ولی در این زمینه هیچ‌گونه قوانین و مقررات بین‌المللی خاصی نداریم که از این قربانیان بی‌گناه به‌صورت مستقل حمایت لازم را نماید، این یکی از نقاط ضعف اصلی حقوق بین‌الملل در قبال قربانیان اقدامات تروریستی محسوب می‌شود.

صرف وجود قانون (قواعد بین‌المللی) در صورت نبود ضمانت اجرایی مؤثر نیز می‌تواند نکته‌ای مفید تلقی گردد، ولی متأسفانه این قانون هم وجود ندارد. به همین دلیل در ابتدای بحث این قضیه را مطرح کردیم. اما با سیری در کنوانسیون‌ها بین‌المللی به معاهدات ژنوسید یا معاهدات چهارگانه ژنو می‌رسیم، که در خصوص مخاصمات بین‌المللی به‌صورت مسلحانه با تأکید بر حقوق قربانیان اعم از نظامیان و غیرنظامیان است به برخی از این حق‌و حقوق می‌رسیم. به نظر می‌رسد معاهدات مذکور درواقع قواعد حقوق بشردوستانه را به‌نوعی می‌توان به قربانیان اقدامات تروریستی نیز تسری داد و از قواعد حقوق بشردوستانه که در اکثر اوقات الزام‌آور هستند به‌عنوان حقوق موضوعه حمایت از قربانیان اقدامات تروریستی ناشی از مخاصمات مسلحانه بین‌المللی از آن نام برد. هرچند که بسیاری از علمای حقوق بین‌الملل در قالب دکترین‌هایی که ارائه داده‌اند این تسری را قبول ندارند و مهم‌ترین ادله آنان این است که طرف مخاصمات مسلحانه بین‌المللی باید دولت‌ها باشد تروریسم فاقد این ویژگی است به همین دلیل آن را رد می‌نمایند. با توجه به الزامات حقوق بشری قربانی مخاصمانه مسلحانه (تروریسم چندملیتی) قربانی است، تفاوت با دیگر قربانیان دیگر مخاصمات ندارند.

۳-۱-۳ مؤلفه‌های حمایتی آن

وقتی صحبت از قربانیان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی می‌شود، با مفروض دانستن جنبه بین‌المللی اقدامات تروریستی در تمامی ابعاد امروزه شاهد آن هستیم بدین نکته می‌رسیم که قربانیان این دست از جرائم و اقدامات تروریستی که معمولاً افراد بی‌گناهی هستند که در این حیطه گرفتار شده‌اند، باید از نظر مؤلفه‌های حقوق بین‌المللی

نیز مورد توجه قرار گیرند. که بدین منظور می توان حقوق بین الملل بشردوستانه را با توجه به رسالتی که بر عهده دارد می توان به نوعی یکی از مؤلفه های حمایتی حقوق بین المللی نسبت به این دست از قربانیان ساری و جاری دانست. اما در تعریف این حقوق در غالب دکترین چنین آمده است: «حقوق بشردوستانه بین المللی باهدف کاستن آلام رنج دیدگان از جنگ و حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه و حفظ کرامت و شأن انسانی در زمان وقوع مخاصمات مسلحانه، عمده تمرکز خود را به تعهدات حقوقی دولت ها و بازیگران غیردولتی (مؤثر در نظام بین الملل) در زمان مخاصمات معطوف می سازد». (Christopher Green Wood 2008:11)

در این مسیر در کنار منابع ارزشمند عرفی حقوق بشردوستانه به جرأت می توان کنوانسیون های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل های الحاقی بدان ۱۹۷۷ پس از جنگ جهانی دوم را هسته اصلی و قانونی حقوق بشردوستانه بین المللی^۱ معرفی کرد. همان طوری که در ابتدای بحث در دکترین تعریف حقوق بشردوستانه آمده است. هدف از این حقوق کاستن از آلام و درد و رنج دیدگان و حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه است. پس نکته ای که تا اینجا در بحث می توان بدان اشاره کرد؛ این است که قربانیان عام است و تفکیک خاصی بین نوع قربانیان یا طرف های درگیر در مخاصمات مسلحانه صورت نگرفته است. در ادامه تعریف ذکر شده عمده هدف این حقوق را یکسری تعهدات حقوقی الزام آور برای دولت ها و دیگر بازیگران غیردولتی در مخاصمات مسلحانه اعلام کرده است که دارای ضمانت اجرای کافی در ذیل جنایت جنگی در اساسنامه دیوان بین المللی کیفری است. پس اشخاص حقوقی که ضمن درگیری در مخاصمات مسلحانه باید از این احکام تبعیت کرد و رعایت نمایند.

علاوه بر دولت ها بازیگران غیردولتی^۲ را نیز شامل می شود که گروه های سازمان یافته تروریستی را نیز شامل می شود. این جدا از این بحث است که آیا گروه های تروریستی دارای شخصیت حقوقی هستند یا خیر؟ که خارج از بحث ماست علی ایحال حتی اگر قائل به شخصیت حقوقی نیز نباشیم وجوه گروه هایی که تحت عنوان تروریست با اهداف و اغراض خاص در مخاصمات مسلحانه باعث درد و رنج و آلام فراوان برای افراد غیرنظامی^۳ بی گناه به عنوان قربانی جرائم تروریستی شده اند یک واقعیت در جهان معاصر ماست و نمی توانیم به بهانه اینکه در شمول تعاریف قانونی قرار نمی گیرند یا قانون دیگر صالح است از حمایت های خاص و تخصصی که صرفاً مخصوص مخاصمات مسلحانه طراحی شده و به تصویب رسیده سرباز زنیم و هیچ گونه اقدامی در حمایت از قربانیان اقدامات تروریستی انجام ندهیم. همین یکی از دلایل چرایی این مسئله است که ما حقوق بشردوستانه را حقوق موضوعه حمایت از قربانیان تروریسم می دانیم.

البته یکی از مهم ترین دلایلی که برخی از مخالفان تحت تأثیر آن این تسری را انکار می کنند می تواند به مسائل سیاسی و خواست قدرت های بزرگ به عنوان ضمانت های اجرای واقعی حقوق بین الملل برگردد. برخی از کشورهای

^۱. International Humanitarian Rights

^۲. در قالب حقوق مخاصمات مسلحانه غیر بین المللی (در قامت تروریسم) قابلیت بحث و بررسی دارد.

^۳. Civilians

قدرتمند نظام بین‌الملل همانند ایالات متحده آمریکا پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به بهانه مبارزه با تروریسم به خاورمیانه لشکر کشید و گروه‌های تروریستی نیز در این موقع رشد چشم‌گیری یافتند، پس اگر حقوق بشردوستانه قابل‌اعمال باشد بر ضد منافع آن‌هاست؛ نتیجتاً به استناد بهانه مطرح‌شده این تسری مسئولیت را برای دوستان غیرقابل‌تعمیم دانستند. اما دو بنیان اساسی در اجرای حقوق بشردوستانه یا به عبارت دیگر دو مفهوم اصلی در حقوق بشردوستانه مفاهیم قاعده رعایت و تضمین رعایت است که ماده ۱ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه و پروتکل اول و سوم الحاقی بدان به نکته مذکور اشاره دارد و همه طرف‌ها را به نوعی به رعایت و تضمین رعایت متعهد می‌داند. نبود نیروی فوق ملی برای قانون‌گذاری و اجرای آن فراتر از دولت‌ها بخصوص در بحث مخاصمات مسلحانه بین‌المللی^۱ باعث می‌شود.

حقوق بشردوستانه را با یک سلسله قواعد کلی، حمایت از قربانیان جنگی و محدود کردن عملیات نظامی دانست، البته تنها دکترین قابل‌قبول که قواعد راجع به سازمان‌دهی و ابزارهای جنگ را تنظیم نماید همین است. (zamani:2012:40) اما غایت و تضمین رعایت این اصول برای کلیه گروه‌های درگیر در مخاصمات مسلحانه الزامی است که در این اصل و مؤلفه بنیادین حقوق بشردوستانه قلمداد می‌گردد. یکی دیگر از مؤلفه‌های بنیادین گفتمان غالب را می‌توان گفتمان حمایت در حقوق بشردوستانه دانست که در بند چهارم مقدمه پروتکل الحاقی دوم به کنوانسیون ژنو^۲ مقرر می‌دارد: «در مواردی که توسط قانون مورد اجرا تحت پوشش قرار نگرفته‌اند، فرد تحت حمایت اصول انسانیت و دستورات و جدال عمومی باقی می‌ماند». این گفتمان بدان معنی است که در صورت فقدان قواعد خاص عدم قابلیت اعمال سند مربوط به یک مورد ویژه بازهم اصول انسانیت^۳ و دستورات وجدان عمومی مطلقاً و عموماً معتبر باقی می‌مانند.^۴ (Sandoz: 1987: 1340) یعنی به استناد خود بند چهارم مقدمه پروتکل الحاقی دوم همان مفهومی که در این بخش مطرح ساختیم و عدم تفاوت بین قربانیان و حتی اینکه مصداقی با دستورات سند نیز مطابقت نداشته باشد که این نیز می‌تواند به عنوان یکی از موارد پیش‌بینی و تصمیم نیز در نظر گرفته شود. از دیگر اصولی که مورد تأکید حقوق بشردوستانه است می‌تواند به عنوان تکمیل‌کننده آن در پوشش این بند لحاظ گردد. اصل دکترین مسئولیت حمایت این است: دولت‌های متعهد در کنوانسیون‌ها ژنو به دلیل نقض مکرر حقوق قربانیان و حقوق بشردوستانه در عملیات مسلحانه گروه‌های تروریستی می‌توانند ذیل این دکترین مساعدت‌های خود را به دولت‌های دیگر تروریسم و در اصل شهروندان به عنوان قربانیان اصلی ارائه دهند. از دیگر اصول تأکیدی این حقوق تفکیک بین نظامیان و غیرنظامیان است درحالی‌که تروریست‌ها تفنگ‌ها و سلاح‌های خود را بیش از نظامیان به سوی افراد بی‌گناه و مردم عادی نشانه رفته‌اند. تفکیک بین نظامیان و غیرنظامیان از اصول بنیادین حقوق بشردوستانه در

1. International Armed Conflicts

2. Second Protocol to the Geneva Convention

3. Principles of Humanity

۴. البته در ماده یک مشترک که بدان اشاره شد دقیقاً از لفظ (دولت‌های متعهد) استفاده می‌شود ولی چنانکه گفته شد قائل به تسری به سایر بازیگران از جمله گروه‌های تروریستی نیز هستیم که به عنوان واقعیات کنونی جامعه معاصر دست به هرگونه اقدامات تروریستی جهت رسیدن به اهداف خود می‌زنند

مخاصمات مسلحانه بین‌المللی است. (Leslie: 2008: 20-23) چرا که تأکید حقوق بشردوستانه محدودیت‌هایی را برای متخاصمان در انجام عملیات نظامی از جمله اعمال خشونت علیه اشخاص و تخریب اموال قائل است. (پروتکل اول ۱۹۷۷، بند ۳ ماده ۴۴) تنها افراد درگیر نظامی حق شرکت در مخاصمه را دارند درحالی‌که در قسمت مباحث در رویکردهای فقه اسلامی به تروریسم نیز تصریح شد، اکثر تروریست‌ها از مردم عادی به‌عنوان سپر انسانی استفاده می‌کنند و این مسئله علاوه بر اینکه از تخلفات گروه‌های تروریستی فوق در نقض ماده مذکور است؛ بلکه ذیل جنایات جنگی نیز قابل‌بحث و بررسی است، که در فصل قبل به آن پرداخته شد و چندین مصداق بارز دیگر حاکی از این نقض‌های مکرر اصول حقوق بشردوستانه است. اما ممنوعیت اقدامات تروریستی در این کنوانسیون‌ها به‌صورت مستقیم مورد توجه متعاهدان قرار گرفته است، به‌نحوی‌که در کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ اعمال تروریستی را به ترتیب در موارد ۳۳ و بند ۲ ماده ۵۱ ممنوع کرده‌اند. (Habibzada:2007:74)

هرچند که در اینجا شاید این نکته مطرح شود که تروریسم از نوع دولتی آن مدنظر بوده است ولی در خصوص کیفیت نوع تروریسم حتی در تفاسیر نیز صحبتی به میان نیامده است؛ حتی اگر هم حمل بر تروریسم دولتی شود حمایت از گروه‌های تروریستی یکی از مصادیق تروریسم دولتی است که بدین کیفیت می‌توان نقض حقوق بشردوستانه را متوجه دولت‌ها حامی تروریسم نیز دانست. در بند ۲ همین ماده‌ای که قبل‌تر بدان اشاره شد اعمال خشونت به‌منظور ایجاد ترس وحشت در بین سکنه غیرنظامی را ممنوع اعلام کرده است. (پیشین). در بند ۴ ماده ۵۱ «حملات کورکورانه» را ممنوع اعلام کرده است، حملاتی که علیه یک هدف نظامی خاص صورت نمی‌گیرد یا با استفاده از روش‌ها مسائل جنگی انجام می‌شود که نمی‌توان آن‌ها به یک هدف نظامی محدود کرد، کورکورانه تلقی می‌گردد. تردیدی وجود ندارد که همین حملات و این وصف در اقدامات تکفیری بسیار جریان دارد و دقیقاً مصداق همان است، زیرا هدف اصلی آن ایجاد وحشت است این اقدامات موجب صدمه جانی به افراد غیرنظامی، مجروح شده آن‌ها وارد آوردن خسارت به اموال غیرنظامی یا مجموعه‌ای از آن‌ها می‌شود، بنابراین جزء حملات کورکورانه در حقوق بین‌الملل کیفری ذیل مصادیق جنایات جنگی آمده است. (بند ۵ (ب) ماده ۵۱ پروتکل اول) بالاخره جمع‌بندی که در این بحث خواهیم داشت در خصوص حقوق موضوع قربانیان اقدامات تروریستی ذیل حقوق بشردوستانه که به‌عنوان حقوق موضوعه مطرح شده است برخلاف نظر موافقان یا مخالفان بر اساس ماده ۱۴۷ کنوانسیون چهارم ژنو است که «اعمال تروریستی به‌صورت آدم‌کشی عمدی، رفتار خلاف انسانیت و ...» تخلف فاحش محسوب می‌شود نقض فاحش کنوانسیون‌های جنایت جنگی محسوب می‌شود. به‌طوری‌که دولت‌های متعاقد هنگام تصویب اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری یا همان دادگاه رم در سال ۱۹۹۸ میلادی در مقام قانون‌گذار بین‌المللی کیفری به‌عنوان ضمانت اجرایی مؤثر برای متخلفین از تخلفات فاحش کنوانسیون‌های ۱۲ اوت ۱۹۴۹ ژنو الحاقات بعدی به آن چنین تصریحی با مضمون ذیل در ماده ۸ اساسنامه مذکور داشته‌اند: از جمله کشتار عمدی، شکنجه یا رفتارهای غیرانسانی، فراهم کردن موجبات رنج و صدمه شدید اعم از جسمانی یا سلامتی و ... به‌عنوان

ناقضان حقوق بشردوستانه^۱ (کنوانسیون ۱۲ اوت ۱۹۴۹ و به بعد) شناخته می‌شوند، پس حقوق موضوعه حمایت از قربانیان اقدامات تروریستی است. البته این مصادیق در بسیاری از جبهه‌های نبرد علیه تروریست‌ها به‌عنوان یک امر عادی و روزانه تلقی شده است در خصوص این جرائم و اقدامات در قبال قربانیان اقدامات تروریستی تکفیری باید گفت: آدم کشی به‌صورت کاملاً آگاهانه و از روی عمد که در بیشتر مواقع در راستای عدم تبعیت از اجرای دستورات گروه‌های تروریستی تکفیری است.

به‌عنوان وجه اول این رویکرد و همچنین کشتار عمدی برخی از افراد غیرنظامی بی‌گناه در جهت اجرای تاکتیک اصلی گروه‌های تروریستی یعنی ایجاد نوعی رعب وحشت عمومی یکی دیگر از اهداف و رویکردهای کشتار عمدی قربانیان اقدامات تروریستی در منطقه به‌صورت تقریباً روزانه محسوب می‌شود. در دیگر مصادیق ذیل جنایات جنگی عناوینی ذکر شده است که دقیقاً مصداق اقدامات گروه‌های تروریستی تکفیری است. با سیری در این اقدامات تروریستی در سوریه و عراق درمی‌یابیم که تروریست‌ها در مواقعی که در میدان نبرد با نظامیان دولتی در محاصره قرار می‌گیرند و شکست‌های متعددی را می‌پذیرند برای اینکه بتوانند معادلات میدانی را به نفع خود تغییر دهند، عامداً و عالماً نوک پیکان حملات خود را به‌سوی افراد غیرنظامی که به‌هیچ‌وجه در درگیری‌های مسلحانه با آنها نقش ندارند معطوف می‌سازند، چه‌بسا برخی از اقدامات تروریستی گهگاه صدها کیلومتر دور از میدان مناصمات مسلحانه با تروریست‌ها است و این دقیقاً مصداق جنایت جنگی در حق قربانیان غیرنظامی^۲ محسوب می‌شود. حملات اخیر تروریست‌ها به بیمارستان شهر حلب سوریه و که در گزارش‌ها مخابره شده است کاملاً غیرنظامی محسوب می‌شود.

۴- حمایت از قربانیان اقدامات؛ در سازمان‌های بین‌المللی بین‌الدولی و غیردولتی

۴-۱): وضعیت قربانیان اقدامات تروریستی سازمان‌های بین‌المللی بین‌الدولی

وقتی صحبت را در خصوص قربانیان اقدامات تروریستی آغاز می‌کنیم موضوع سازمان‌های بین‌المللی و بین‌الدولی که متشکل از وجود دولت‌های عضو سازمان ملل متحد و سازمان‌های بین‌المللی متشکله از این‌گونه اعضاست. بسیار مهم جلوه می‌کند؛ چرا که با توجه به نوع عضویت اشخاص حقوقی که در این سازمان‌ها عضو هستند معمولاً تصمیماتی که اخذ می‌شوند دارای ضمانت‌های اجرایی تقریباً محکم‌تری نسبت به دیگر نهادهاست، چرا که دولت‌های عضو موظف به رعایت یک سری اصول و تعهدات بین‌المللی^۳ هستند و در صورت تخلف از این اصول و تعهدات با مکانیسم‌های تنبیهی^۴ که ذیل فصل ششم و هفتم منشور ملل متحد در اختیار شورای امنیت سازمان ملل متحد قرار داد می‌تواند از آن طریق و به نمایندگی از دیگر دولت‌ها در قالب ملل متحد در راستای حفظ صلح و

^۱. Human Rights Violators

^۲. Civilian Victims

^۳. International Principles and Obligations

^۴. Punitive Mechanisms

امنیت بین‌المللی^۱ با دولت مختلف برخورد کند. اما اگر تروریست‌ها به‌عنوان یکی از طرف‌های مخاصمات مسلحانه بین‌المللی باشند کار بسیار پیچیده می‌شود و دیگر نمی‌توان همانند دولت‌ها با آن‌ها برخورد کرد. قربانیان اقدامات تروریستی که معمولاً افراد غیرنظامی بی‌گناه بیشترین هزینه‌های جانی، مالی، حیثیتی این اقدامات را پرداخت می‌کنند. حال اگر سازوکارهایی اندیشه شود و طبق قوانین بین‌المللی حتی بخواهیم نسبت به تروریست‌ها نیز قائل به مسئولیت کیفری باشیم و به‌طریق‌اولی دولت‌های حامی آن‌ها، بازهم در اینجا به نقش پررنگ نهادها و مراجع بین‌المللی^۲ جهت احقاق حق قربانیان در اقدامات و جرائم تروریستی بین‌المللی می‌رسیم. با محاکمه و مجازات اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی که در این جریانات درگیرند به‌نوعی تا حدودی آلام قربانیان را کاهش دهند و با مجازات عاملان و جبران خسارت مادی تا حدودی از ایشان حمایت نمایند. البته شایان‌ذکر است که در خصوص رسیدگی به قربانیان اقدامات تروریستی در لابه‌لای قوانین و مقررات بین‌المللی معاهدات و کنوانسیون‌های مختلف وظایفی اعم از حمایتی، تکمیلی و ... برای سازمان‌های بین‌المللی تعریف شده است که مصداق بارز ای وظایف تکلیفی که در قسمت حقوق بشردوستانه تا حدودی بدان اشاره شد و همچنین در لابه‌لای اسناد حقوق بشری نیز و دیگر اسناد بین‌المللی که در این خصوص وجود دارد نیز اشاره شده است. در ادامه سعی خواهد شد؛ به‌صورت متمرکز برخی از وظایف و تکالیف در خصوص حمایت از قربانیان تروریسم در سازمان‌های بین‌المللی بین‌الدولی^۳ به‌صورت موردی (دادگاه بین‌المللی کیفری (ICC) مورد بررسی قرار گیرد.

۱-۱-۴): حمایت‌های حقوقی از بزه دیدگان تروریسم (تأکید بر وظایف ICC)

با سیری در اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری رم به نکات مهم و حائض اهمیتی در خصوص حمایت‌های حقوقی از بزه دیدگان اقدامات تروریستی و دیگر جرائم که در حوزه صلاحیت (ICC) است برخورد می‌کنیم که قابل تقسیم به چند بخش عمده است که به‌صورت اخص بدین حق و حقوق قربانیان پرداخته، در اینجا به‌صورت مختصر بدان اشاره خواهد شد:

۱-۱-۴): حق مشارکت در دادرسی برای بزه دیدگان و قربانیان: در دکترین آمده است که دادن حق مشارکت در دادرسی‌های دیوان بین‌المللی کیفری^۴ و پشتیبانی سازمان‌های حمایت از حقوق بشر و حمایت از قربانیان و درنهایت متأثر از دکترین دعوی خصوصی بوده، گاهی در جهت احقاق حق بزه دیدگان برداشته شد. (Mekjiant & Varujhese: 2005:17) یکی از مهم‌ترین حقوق اعطاشده به بزه دیدگان در روند مشارکت دادرسی مربوط به وضعیت‌ها و پرونده‌های مطرح در دیوان است. (رضوی فرد و دیگران؛ ۱۳۹۲: ۷۰) پس پرونده‌هایی که به‌نوعی هنوز در دیوان بین‌المللی کیفری رسیدگی بدان شروع نشده است حقی برای بزه دیدگان از همان ابتدای رسیدگی به

1. Maintaining international Peace and Security

2. International References

3. International International Organizations

4. International Criminal Court Proceedings

جرائم ایجاد نمی‌کند. با این حال بازهم شناسایی این حق برای اولین بار در تاریخ عدالت کیفری بین‌المللی است که این رخدادهای روی داده است (Will: 2007: 101) که تحول بسیار شگرفی در حوزه حقوق کیفری محسوب می‌شود. این وضعیت قانونی پیش‌بینی شده از دستاوردهای مستقیم مکتب عدالت ترمیمی^۱ نسبت به قربانیان جرائم در حوزه حقوق کیفری بین‌المللی محسوب می‌شود. اما در خصوص مشارکت تعریف خاصی در اساسنامه ارائه نشده است. مشارکت در دادرسی‌های دیوان بین‌المللی کیفری می‌تواند از طریق نمایندگان قانونی که منتصب به بزه دیدگان نیز هستند صورت پذیرد. (Stover: 2010:3)

اما پس از شناخت روند نحوه مشارکت به تشریفات بهره‌مندی از حق مشارکت می‌رسیم که از جمله این تشریفات می‌توان بر اساس بند ۱ ماده ۸۹ آیین دادرسی و ادله ICC به درخواست مشارکت در دادرسی اشاره کرد که از طریق درخواست کتبی به رئیس دفتر ثبت و بایگانی شعبه دیوان امکان‌پذیر است. که باید از طریق فرم‌های مخصوص که فرم درخواست مشارکت شماره یک برای اشخاص حقیقی و افراد معمولی و درخواست مشارکت فرم ۲ برای سازمان‌ها و اشخاص حقوقی است. بدین طریق قربانیان اقدامات تروریستی^۲ و دیگر جرائم می‌تواند در رسیدگی‌های دیوان بین‌المللی کیفری مشارکت نماید. اما این مشارکت در غالب چندین مصداق با توجه به اساسنامه ICC قابل تحقق است که جهت رعایت اختصار بدان اشاره می‌شود:

(۱-۱) ارائه بیان نظریات و مشارکت در جلسه دادرسی به اجازه دیوان (بند ۴ ماده ۵۰ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری یا همان ICC)؛

(۱-۲) پاسخ‌گویی به اسناد به دستور شعبه رسیدگی‌کننده (بند ۲ ماده ۴۴ آیین‌نامه‌های دیوان بین‌المللی کیفری و ادله اجرایی اساسنامه دیوان)؛

(۱-۳) پرسش از متهم، شاهدان کارشناسان. (بند ۳ ماده ۹۱ آیین دادرسی و ادله منضم به اساسنامه دادگاه بین‌المللی کیفری رم^۳ (ICC). پس با بررسی اجمالی که در اساسنامه و آیین دادرسی و ادله دادگاه بین‌المللی کیفری رم داشتیم با نحوی از مشارکت قربانیان جرائم تا حدود بسیار زیادی آشنا شدیم و روند مشارکت در دادرسی به‌عنوان یک آموزه بین‌المللی جدید از سال ۱۹۹۸ وارد ادبیات کیفری بین‌المللی شد و مورد بحث قرار گرفت. البته در خصوص این روند باید نکته‌ای متذکر شد آن‌هم این مسئله است دیوان بین‌المللی کیفری تا به حال در طول مدت حیات خود به جرائم و اقدامات تروریستی رسیدگی نکرده است، در این خصوص عملاً فاقد هرگونه تجربه و به‌نوعی تا لحظه نگارش صلاحیت در این خصوص است حال سؤالی که پیش می‌آید این است با توجه به گستردگی اقدامات تروریستی در نقاط مختلف و بالتبع تنوعی که در نوع قربانیان این اقدامات خود وجود خواهد داشت دیوان با چه

1. Direct achievements of the School of Restorative Justice

2. Victims of terrorist acts

3. Evidence attached to the Statute of the International Criminal Court of Rome

مکانیسمی قادر به احقاق حداقل حقوق قربانیان اقدامات تروریستی در این وضعیت نوین به وجود آمده خواهد بود.
(Mousavi Fard:2015:210-220)

۲-۱-۱-۴): حق بهره‌مندی قربانیان از معاضدت نماینده قانونی: با توجه به وسعت جرائمی که در صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری است که بعضاً در غالب جرائمی همچون جنایات ضد بشریت، جنایات جنگی، نسل‌کشی و امثالهم تحقق می‌یابد. معمولاً تعداد قربانیان بسیار زیاد است همین امر به‌نوعی امکان مشارکت مستقیم قربانیان را در روند دادرسی‌ها تقریباً می‌توان گفت: غیرممکن می‌کند و علاوه بر این مسئله روند رسیدگی‌های تخصصی دیوان که تابع آیین دادرسی خاص خود است و مضاف بر همه مسائل ذکرشده عدم آشنایی اکثر قربانیان به فن تخصص حقوق بین‌الملل تکالیف وظایف مندرج در آن به‌عنوان حقوق موضوعه دیوان معمولاً حق بهره‌مندی از معاضدت نماینده قانونی برای تمامی قربانیان وجود دارد. این امر به دو صورت امکان دارد:

۱-۲): حق داشتن وکیل و چگونگی انتخاب آن به‌صورت کتبی از طریق شعبه اقدام می‌شود. این امر نیز در اساسنامه ذکرشده است (بند ۳ ماده ۵۰ آیین دادرسی و ادله).

۲-۲): وکیل عمومی بزه دیدگان یا همان وکیل به‌اصطلاح تسخیری (بند ۱ ماده ۷۹ آیین‌نامه‌های دیوان، بند ۲ ماده ۹۰ آیین دادرسی) دیوان به وکلا مسئله را ارجاع می‌دهد و پیگیر امور می‌شود.

۳-۱-۱-۴): حق آگاهی از نظام عدالت کیفری:

بر اساس مقررات آیین دادرسی و ادله دیوان، رئیس دفتر ثبت ملزم به اطلاع‌رسانی مناسب به بزه دیدگان است که طبق (بند ۱ ماده ۱۶ قسمت ب) وی باید از طریق مقتضی بزه دیدگان را از حقوق خود مطلع سازد. البته در اینجا همان‌طور که اشاره مختصری بدان داشتیم با توجه به وسعت قربانیان جرائم در صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری منظور اطلاع‌رسانی به همه افراد حقیقی یا حقوقی به‌عنوان قربانیان مدنظر نیست؛ چون‌که عملاً این اقدام امکان‌پذیر نیست. به‌عنوان مثال دیوان چگونه می‌توان به یک‌میلیون و هشتادوپنج هزار نفر آواره ثبت‌شده در قضیه دارفور سودان اطلاع‌رسانی کند. (Babjani:2008:158) جهت پاسخ بدین امر به دو طریق عمل می‌شود: اینکه رئیس دفتر باید این اطلاع‌رسانی را حتماً باید نسبت به وکیل یا نماینده قانونی بزه دیده و قربانی انجام دهد ولی جهت پاسخ‌گویی عمومی نیز تمهیداتی اندیشه شده است، علاوه بر استفاده بهینه از رسانه‌های عمومی مکانیسم دیگری که در اساسنامه طبق (قسمت الف) بند ۲ ماده ۱۶) آیین دادرسی و ادله و اساسنامه ذکرشده است. (واحد بزه دیدگان و شاهدان) است. حق آگاهی به دو در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری پیش‌بینی‌شده: آگاهی از مراحل اسناد و مفاد آن (قسمت ب بند ماده ۵ آیین دادرسی و ادله ICC) پیش‌بینی‌شده است.

نتیجه‌گیری و دستاوردهای علمی پژوهشی:

با تسامح می‌توان گفت در جهان امروز، پدیده سیاسی تروریسم به‌عنوان عامل محرکه تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... جایگزین پدیده‌های سیاسی شناخته‌شده مثل انقلابات، جنگ‌ها (جنگ‌های تمام‌عیار دو یا چند واحد سیاسی با هویت مشخص در قالب دولت‌های ملی)، کودتاها، شورش‌ها و... شده است وزندگی سیاسی در سطوح

مختلف آن (گروه‌های سیاسی زیر ملی، و ملی و بین‌المللی) را به چالش کشیده است. در این نوع مداخلات مسلحانه بین‌المللی که در قالب گروه‌های تروریستی شاهد آن هستیم چون‌که معمولاً یک‌طرف مداخله شخص حقوقی قرار دارد که فاقد هیچ‌گونه اهلیت و مشروعیت لازم است و به مکانیسم‌های موجود بین‌المللی همانند تحریم و... که به‌عنوان ابزار تنبیهی در دست نظام بین‌الملل است نمی‌توان با آن‌ها به مقابله برخاست، پس باید از طریق واسطه‌ها و حامیان دولتی که این گروه‌ها را حمایت می‌کنند وارد کارزار شد بدین کیفیت می‌توان آن‌ها را به پایبندی به برخی از مقررات انسان دوستانه جهت کمک به قربانیان اقدامات تروریستی مقید ساخت به همین خاطر است که ما در اینجا این امدادسانی و کمک‌رسانی را در یک قالب کنوانسیون اختصاصی در اینجا مطرح ساختیم چراکه کنوانسیون‌های موجود معمولاً دارای چنین قابلیت نیستند پس با یک وضعیت استثناء بر اصل با در وضع قواعد حقوق بین‌المللی روبرو هستیم که باید چاره‌ای اندیشیده شود. پس صندوق‌های حمایتی مالی بین‌المللی، وجود سازوکارهای تحریمی بین‌المللی، و... می‌تواند از راهکارهای مستقیم و غیرمستقیم و همچنین ضمانت اجرایی در حمایت از قربانیان تروریسم باشد. در خصوص نقش سازمان‌های بین‌المللی همانند صلیب سرخ باید گفت: وقتی سخن از اقدامات مسلحانه و کمک‌های نوع‌دوستانه به‌دوراز هرگونه اهداف مالی و معنوی و سیاسی به میان می‌آید بدون در نظر گرفتن هیچ‌گونه مرز جغرافیایی و سیاسی ناخودآگاه ذهن انسان به‌سوی صلیب سرخ می‌رود سازمانی بین‌المللی و غیردولتی که از همان ابتدای تأسیس هدف و عمده فعالیت‌های عمده خود را در جهت کمک به قربانیان متمرکز ساخت. با این مقدمه می‌توان گفت: مهم‌ترین سازمان بین‌المللی غیردولتی که در نظام بین‌الملل وجود دارد و رسالت عظیم خود را کمک بدون هیچ‌گونه چشم‌داشتی به قربانیان اقدامات مسلحانه در اکثر اوقات مردم غیرنظامی بیگانه هستند متمرکز کرد؛ آن کمیته صلیب سرخ است. قربانیان اقدامات تروریستی نیز از این قاعده مستثنا نیستند ولی مشکلی که در سر راه صلیب سرخ در ارائه کمک‌های همه‌جانبه و نوع‌دوستانه نسبت به قربانیان اقدامات تروریستی وجود دارد، شاید این مسئله باشد در اقدامات تروریستی معمولاً با گروهی از تروریست‌ها روبرو هستند، به هیچ قانون و قاعده‌ای پایبند نیستند و حتی گهگاه شاید هستیم در برخی از مناطق تحت اشغال گروه‌های تروریستی مأمورین عوامل اجرایی این سازمان‌ها در نتیجه اقدامات تروریست‌ها خود به قربانی تروریسم تبدیل شده و حتی در اکثر اوقات جان خود را از دست داده‌یا بر اساس اقدامات تروریستی صورت گرفته اسیر یا مجروح شده‌اند. این مسئله خود یکی از عوامل اصلی و مشکلات عمده پیشروی صلیب سرخ و مؤسسات امثالهم در خدمت‌رسانی به قربانیان اقدامات تروریستی است و همین عامل نیز باعث کند شده خدمت‌رسانی قلمداد می‌گردد. معمولاً راهکار بینابینی که می‌توان در جهت رفع موقت این مشکل می‌توان ارائه کرد را چنین توصیف می‌کنیم: معمولاً اغلب گروه‌های تروریستی همان‌طوری که در قسمت عمده پژوهش نیز بدان اشاره شده با برخی از کشورهای دیگر در ارتباط‌اند و به‌نوعی عامل آنان محسوب می‌شوند در این رهگذر؛ سازمان‌های بین‌المللی همانند صلیب سرخ جهت عدم قطع کمک‌رسانی به مردم بی‌گناه قربانی تروریسم و کند شدن خدمت‌رسانی از طریق این کشورهای این بار در یک نقش سازنده وارد مذاکره شد و بتواند به‌نوعی تروریست‌ها را جهت رفع هرگونه مزاحمت و مخالفت نسبت به

گروه های خدمت رسان بین المللی همانند صلیب سرخ و امثالهم متقاعد کنند. همین مورد به نظر می رسد می تواند یکراه کار مناسب و درعین حال اجرایی در جهت کاهش آلام و درد و رنج های قربانیان تلقی گردد، البته به نوعی یک توافق بین المللی همه جانبه الزام آور را می طلبد. نکته جالب توجه در خصوص صلیب سرخ در تعریف قربانیان است که هم شامل افراد نظامی هم افراد غیرنظامی است.

هرچند که گروه های تروریستی که به هیچ قاعده و قانونی پایبند نیستند، باید این مسئله را رعایت کنند، در غالب یک نتیجه عقلانی امکان دارد در میدان مخاصمات مسلحانه بین المللی افراد و تروریست ها خود نیازمند کمک رسانی باشند، در اینجاست که باید فضا را آزاد برای کمک رسانی این سازمان ها فراهم سازند تا بتواند فارغ از هر دسته بندی و صرفاً خدمت به نوع انسان به خدمات خود در میدان نبرد ادامه دهند. ولی متأسفانه با سیری در اقدامات گروه های تروریستی بدین نکته می رسیم که این گروه ها حتی از درک این مبنای عقلانی اولیه نیز عاجزند و بعضاً هیچ گونه همکاری با این گروه ها انجام نمی دهند؛ بلکه گاهی اوقات متعرض افراد خیر و نوع دوست می شوند از جمله برخی از وظایف که برای این سازمان بین المللی غیردولتی تعریف شده است: حضور داوطلبانه و به موقع گروه های امدادی در لحظات غیر درگیری و آتش بس و صلح پس از مخاصمات مسلحانه به منظور کمک به قربانیان، امداد رسانی در صحنه، کمک به جمع آوری و درمان مصدومان و مجروحین جنگی، تهیه حداقل مایحتاج برای بازماندگان و دیگر افراد قربانی در صحنه و ... از وظایف فوری و اولیه این سازمان بین المللی غیردولتی جهت وارد میدان می شوند، ولی در واقعیات خاورمیانه این دقیقاً برعکس رسالت جهانی است چرا که از برخی منابع غیررسمی خبر به گوش می رسد که از این آتش بس برای کمک رسانی و تجدید قوای گروه های تروریستی تکفیری استفاده می شود حتی در برخی از مواقع برای رفع حصر از گروه های تروریستی از آتش بس به عنوان یک حربه استفاده می شود اگر این اخبار رسیده درست باشد به نوعی رسالت بی طرفی و بی غرضی سازمان های بین المللی غیردولتی همانند کمیته بین المللی صلیب سرخ واقعاً زیر سؤال خواهد رفت، این وضعیت دقیقاً این معنا را به ذهن متبادر می سازد، که سیاست متأسفانه مقاصد پاک انسان دوستی و نوع دوستی را در قالب سازمان هایی همچون صلیب سرخ را نیز تحت تأثیر قرار داده است. این نهاد بین المللی غیردولتی در راستای رسالت ترسیمی خود چندین مؤلفه را به عنوان راهبردهای اصلی در انجام فعالیت های بین المللی را اعلام کرد است از جمله این اصول می توان به: بشردوستی، بی غرضی، بی طرفی، عدم وابستگی، خدمت داوطلبانه، و جهان شمولی اشاره کرد که با سیری در اساسنامه این نهضت و کمیته بین المللی صلیب سرخ دقیقاً می بینیم که برخی از این اصول در راستای عنوان اعلامی است که مختصراً به شرح برخی از این اصول می پردازیم. یکی از راهبردهای اصلی صلیب سرخ در انجام فعالیت های آن (بی غرضی) است که نشان دهنده این مسئله است: سازمان در انجام وظایف و امورات محوله هیچ گونه غرض و منفعت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... را دنبال نمی کند. که همین امر می تواند مهم ترین راهبرد آن در جهت خدمت صرف به قربانیان قلمداد گردد. یکی دیگر از مباحثی که مطرح شده است (بی طرفی و عدم وابستگی) اشاره دارد در این اصل: سازمان ها در مخاصمات مسلحانه بین المللی خود ملزم به رعایت بی طرفی کامل و عدم وابستگی به هریک از جریانات سیاسی و طرف های

درگیر می‌داند. همین امر مهم‌ترین اصل توجیه‌گر برای طرفین درگیر است که ضمن عدم تعرض به مأموران در اجرای رسالت خود در برخی از مواقع از آن‌ها نیز حمایت کنند. هدف یا اصل دیگر اعلامی در اساسنامه به رویکرد (جهان‌شمولی و عدم تفکیک بین قربانیان) اشاره دارد در شرح اصل اعلامی می‌توان چنین گفت: سازمان در ارائه خدمات به تمامی افراد هیچ‌گونه تفکیک و تبعیضی قائل نیست. برآیند تشکیل صلیب سرخ به اقدامات، تلاش‌ها و کوشش‌های هانری دونان سوئیس برمی‌گردد؛ که به پیامدهای انسانی ناخوشایند جنگ و آثار وحشتناک آن توجه بسیار داشت. وی وقتی که در برخی از جنگ‌ها شاهد این بود: صدها مجروح جنگی در میدان نبرد مخصصات مسلحانه به حال خود رها شده بودند و به تدریج جان خود را از دست می‌دادند و مضاف بر آن عوامل دیگری همچون بیماری، تشنگی، گرسنگی و ... جان افراد نظامی و غیرنظامی را تهدید می‌کرد. و آن‌ها را به کام مرگ می‌کشاند و خلأ ناشی از وجود انسان‌ها و گروه‌هایی که به دور از هرگونه مسائل سیاسی و نظامی حول طرفین درگیر در مخصصات مسلحانه صرفاً باهدف کمک به هموعان خود به آن‌ها خدمت می‌کنند را احساس نمود همین امر ایشان را به فکر تأسیس یک سازمان بین‌المللی غیردولتی جهت خدمت به قربانیان اقدامات مسلحانه انداخت و همین امر سرآغازگر این تحول بزرگ محسوب می‌شود.

Reference:

- Ardabili, Mohammad Ali (1998); **General criminal law**; Volume 2, Tehran, Mizan Foundation.
- Habibzadeh, Mohammad Jafar (2000); **Moharebeh in Iranian criminal law**; First Edition, Tehran, Tarbiat Modares University Press
- Halabi, Ali Asghar (2003); **History of contemporary religious and political movements**; Tehran, Zavar Publishing.
- Rabbani, Mohammad Hassan (1383); **Principles of jurisprudence and rules of hadith**; Volume 1, Qom, Islamic Propaganda Office
- Political, Ali Akbar (1964); **Criminal psychology**; First Edition, Tehran, Ibn Sina Publications.
- Saberi, Hossein (2005); **History of Islamic Difference**, Volume I, Tehran, Samat Publications.
- Sanei, Parviz (2003); **General criminal law**; First Edition, Tehran, New Design Publications
- Saffar, Mohammad Javad (1994); **Legal personality**; First Edition, Tehran, Dana Publishing
- Katozian Nasser (1995); **Civil rights, obligations outside the contract of coercive guarantee**; Volume 1, Tehran, University of Tehran Press.
- Garou, René (1348); **Theoretical and scientific studies in criminal law**; Translation: Zia-ud-Din Naqayeb, Volume I, Tehran, Ibn Sina Publications.
- Giddens, Anthony (2003); **Beyond left and right**; Translation: Mohsen Thalasi, Volume I, Tehran, Scientific and Cultural Publications.
- Lankarani, Mohammad Fazel (2004); **Comprehensive issues (referendums)**; Qom, Volume II (Defense), Bina.
- Langroudi, Mohammad Jafar (1967); **Legal terminology**; First Edition, Tehran, Ibn Sina Publications.
- Motahari, Morteza (1985); **Imamate and leadership**; Volume One, Tehran, Sadra Publications.
- Mousavi Bojnourdi, Seyed Mohammad (1997); **Comparative criminal jurisprudence**; Tehran, Miad Publications.
- Mir Mohammad Sadeghi, Hussein (2011); **International Criminal Law**; Second Edition, Tehran, Mizan Legal Foundation Publications.
- Mousavifard, Seyed Mohammad Reza (2018); **Criminal Liability of Terrorist Groups Reasons to Support Them**, First Edition, Tehran. Majd Publications.

- Mousavifard, Seyed Mohammad Reza (2015); Criminal liability of high-ranking leaders of states sponsoring terrorism; **Quarterly Journal of Criminal Law Studies, Faculty of Law, University of Tehran**, Fall, Serial Issue.
- Mousavi Fard, Seyed Mohammad Reza. (2021). Feasibility study of identifying the criminal responsibility of (Wahhabi) policymakers and real executors of governments sponsoring terrorism with emphasis on political and legal approaches in the political geography of the Middle East. **Journal of New Attitudes in Human Geography**. 13 (2).
- vakil, Amir Saed (2011); **General International Law**; Volume II, Tehran, Majd Publications.
- Recommendation Rec (2000) 8,0 of the Ministers States on Assistance to Crime Victims (adopted by the Committee of Ministers on 14 June 2006, the 967 the Meeting of the Ministers Deputies).
- Richadson, L(2006), **What terrorist want**, New York random house.
- Vora, Joy A and Erika vora (2004) " The Effectveness of South Africas Truth an reconciliation Commission, **Journal of black Studies**, Vol 34. No3.
- Mekjiant, Gerade J. & Mathew C.Varughese (2005) "**Hearing the Victims" Voice**: Analysis of Victims AdvcCate Participation.
- Stover, Eric, Camille Crittenden, Alexa Koneg, Victor Peskin Treyc Gurd et al (2010), "**the Impact of the Rome Statute system on victms and effected Comunities**" Review Ctenferenc of the Rome Statute International Criminal Court, RC-ST- INF- 4ENG- 30052010.
- yes Sandoze (1987) et. La: "Commentary on the additional Protocolsthe Geneva Conventions, **International Committee of red Cross**, Paru.
- <http://www.christianpost.com/news area/foley-sotloff-other-isis-hostages-suffered-severe-torture-were-forced-to-convert-to-islam-128673>.

The rights of Victims of Terrorist acts in Political Approaches and International law Emphasizing the Political Geography of the Middle East

Seyed Mohammad Reza Mousavifard *

Faculty member of the Department of Criminal Law and Criminology, Semnan Branch,
Islamic Azad University, Iran, Semnan.

Abstract

Terrorism is also referred to as intimidation, intimidation, and intimidation. The use of violence or the threat of violence to achieve political, religious, or ideological goals. Terrorism is the unlawful use of violence or intimidation, especially Against civilians, to pursue political goals. Of course, in today's world, there is no exact definition of the word "terrorism". In other words, it is an approach that considers the basis of the method of imposing ideas on others only through coercion, terror, war, violence, terror, rioting, guerrilla operations, massacre, genocide, torture and coup d'etat. With these interpretations, we come to the victims who, without any guilt or contribution to these interactions, must pay the penalty for the crime and not sin. In the present study, we seek to explain the rights of victims of terrorism from the perspective of legal rules and principles and political solutions. Let's be.

Keywords: Victims' rights, terrorist acts, international law, victim, terrorism, Middle East

* (Corresponding Author) mousavifard136396@gmail.com